

# حکایت



گفت و گوی «وطن امروز» با حجت الاسلام رضوی همدانی، استاد حوزه و دانشگاه درباره مؤلفه های موفقیت حضرت زینب در عرصه جهاد تبیین

## تبیین در برابر تحریف



با نعره «یا حسین» جای می گیریم  
 ما حامی دین و دشمن تکفیریم  
 سوگند به بانوی دو عالم، زینب

در حال شناخت از مردم میریم

حماسه عاشورا که مردان آن را رقم زدند، به عنوان امانتی به دست یک زن سپرده می شود و این زن ناگهان چنان در عرصه تاریخ می درخشد که اگر درخشش او نبود، حماسه عاشورا در تاریخ کجایان می ماند. اگر بخواهیم برای جهاد تبیین نمونه ای در تاریخ پیدا کنیم، قطعاً اسوه بلامنازع آن حضرت زینب(س) است؛ کسی که یک تنه همه دستگاه عظیم ظلم را رسوا کرد و برای همیشه تاریخ، حقیقت کربلا را از دستبرد نااهلان محفوظ و مصون نگه داشت. برای واکاوی علل و نقش حضرت زینب(س) در ابلاغ حماسه و پیام عاشورا با حجت الاسلام سیدجلال رضوی همدانی، استاد حوزه و دانشگاه به گفت و گو نشستیم.

جناب حجت الاسلام رضوی همدانی! از منظر شما به عنوان یک مبلغ، اصلی ترین ویژگی های تبلیغی حضرت زینب(س) به عنوان یکی از ستون های ماندگاری نهضت عاشورا چیست؟ اجازه بدهید ابتدا درباره تاثیرات شگرف تبلیغ حضرت زینب(س) در ماندگاری نهضت عاشورا بگویم و بعد به سوال شما پاسخ بدهم. شیوه جباران در تاریخ اسلام این بوده که تلاش می کردند قیام های حق طلبانه و عدالت طلبانه را به هر نحوی که شده به انحراف بکشانند، لذا یکی از بارزترین شیوه های جباران در مواجهه با چنین قیام های حق طلبانه ای، ابتدا سرکوب و بایکوت خبری و سپس تحریف و تدلیس در نحوه روایت داستان است. جباران تاریخ توانستند در بسیاری از موارد با این سیاست، بسیاری از قیام های حق طلبانه را در نطفه خفه یا از ادامه مسیرشان جلوگیری کنند. جباران اموی همین سیاست را در برابر قیام عدالت طلبانه امام حسین(ع) نیز پیگیری کردند اما با یک سبب بزرگ مواجه شدند؛ شخصیت والا و بی نام زینب کبری(س).

حضرت زینب(س) سیاست خبیثانه بایکوت خبری و تحریف تاریخی واقعه عاشورا را ناکام گذاشت. آن حضرت با راهبردهای خردمندانه جریان هایی را پایه گذاری کرد تا خبر شهادت حسین(ع) در همه جهان اسلام بیچند از طرفی با خطبه های خردمندانه که حقیقتا بلاغت آن و فصاحت آن یادآور خطبه های نهج البلاغه است، جریان تحریف را ناکام گذاشت.

جریان تحریف به دنبال این بود که با استفاده از حرب های الهیاتی و روایت های جبر گرایانه قتل امام حسین(ع) را به اراده خداوند منسوب کنند، با ماهیت واقعه کربلا را تغییر دهند و انگشت اتهام را از بزرگ و خاندان اموی برگردانند، یا اساساً حرکت امام حسین(ع) را خروج از قواعد دینداری نشان بدهند اما حضرت زینب(س) همه راهبردهای رسانه ای جریان تحریف را ناکام کرد.

حضرت زینب(س)، نمونه موفق جهاد تبیین است، جهاد تبیینی او توانست همه هیمنه و هژمونی جریان تحریف را برای همیشه تاریخ از بین ببرد تا جایی که سلسله اموی کاملاً خود را در برابر آن حضرت

شما در تاریخ زندگی حضرت زینب(س) دقت کنید، می بینید در کمرشکن ترین مصائب تاریخ که در عاشورا اتفاق افتاد، حضرت نماز شبش قضا نشد می بینید که آن همه فجایع دلخراش را دیده است اما می گوید جز خدای زبیا و جمیل را ندیدم. خب ما معلوم است که این انسان، روحش در لاهوت است و جسمش در ناسوت. کلام چنین انسانی لاهوتی است و باقی می ماند و اثر می کند و زیر و رو می کند. مبلغان ما باید بدانند با تمرین ادا و اطوار سخنرانی و سخنوری، سخنان انسان ماندگار و اثرگذار نمی شود، با شب زنده داری و اشک و سوز درونی است که کلام آنها ماندگار



گرفته تا زن را تبدیل کند به موتور محرک نظام اقتصادی سرمایه داری. کشتی که در خلقت زن هست، می تواند ابزاری باشد برای یک نظام کثیف پول سازی. اگر نمونه های اعلامی شخصیت زن در طول تاریخ نبود، زرمندان و زورمندان زن را فقط به عنوان یک برده برای امیال خود تصویر می کردند اما تصاویر زنان یگانه ای مثل مریم مقدس، مثل فاطمه زهرا(س) و مثل حضرت زینب(س)، نشان می دهد که یک زن تا کجا می تواند اوج بگیرد. نشان می دهد چگونه یک زن می تواند ورق تاریخ را بگرداند، چگونه می تواند جاودانه شود و راهی بی منتها به سمت تعالی و رشد به سوی بشریت بگشاید.

نظام مدرن، زن را به عنوان سنگ آسیاب چرخه های مالی خود می خواهد، می خواهد او فقط بر گزار کننده شوهای مد و لباس باشد، ابزار فروش باشد که باید در برابر این اراده شوم ایستاد. ایستادگی نیاز به اسوه دارد و این اسوه در شخصیت حضرت زینب(س) بخوبی قابل یافتن است.

زن امروز، نه تنها از سمت مدرنیته، بلکه از سمت ارتجاع هم تحت تهاجم است، ارتجاعی که نمونه آن را در رفتارهای طالبان در افغانستان می بینیم؛ اینکه مانع آموزش زنان شوند، آنها را در خانه حبس کنند، این هم یک نگاه ابزاری است. نگاه مدرنیته و ارتجاع، روی یک سکه است و هر ۲ نگاه ابزاری است. ارتجاع هم خطری برای زنان و دختران ما است.

زنان و دختران ما باید به تاسی به حضرت زینب(س) نه در دام ارتجاع بیفتند، نه در دام مدرنیته. بدانند که اثر گذارند و مسؤولیت اجتماعی و تاریخی بر دوش دارند و باید آگاهی خود را رشد دهند و در زندگی خود و جامعه اثرگذار باشند و از طرفی بدانند که اثر گذاری آنها می تواند تا عمق بی نهایت بر روح و جان خود و جامعه باشد، نه فقط یک اثر گذاری جسمی و حیوانی که مقصود و مطلوب مدرنیته است.

ارزش های انسانی در جان هر انسانی نهفته است، وقتی شما به زبان انسان حرف می زنید، به زبان فطرت او حرف می زنید، از هر دین و آیینی باشید پیام مبلغ را در می یابید.

اما نکته ای که در کنار زبان فطری حضرت زینب(س) به آن اشاره کردم، مساله شجاعت است، یعنی لکنت زبانش پیدا نکردن در برابر زورمندان که البته این هم فضیلتی است که هم ریشه در روح تهذیب شده دارد و هم در شخصیتی که تحت تربیت بزرگمردی مثل علی بن ابیطالب(ع) بوده است.

بر اساسی که حضرت زینب(س)، زینت بخش علی بن ابیطالب(ع) است. زینت به چیزی می گویند که وقتی به انسان یا چیزی وصل شد، انسان را یا آن چیز را زیباتر می کند؛ کلمه زینب از ۲ واژه ساخته شده: «زین» و «اب» معنای زینت پدر. حضرت زینب(س) به راستی زینت پدر است. زینت علی بن ابیطالب(ع) است. امیرالمومنین به خودی خود زیبا و دلرباست اما وقتی انسان زینب را به عنوان دختر علی(ع) در کنار او می بینید، عظمت علی بن ابیطالب(ع) جلوه دیگری پیدا می کند. برخی آدمها انسان های بزرگی هستند اما نمی توانند این بزرگی را به فرزندان شان منتقل کنند اما علی(ع) کسی است که یک فرزندش حسین(ع) است، آن دیگری حسن(ع) و آن یکی زینب(س). علی(ع) پدر ابوالفضل عباس است. ببینید یک روح باید چقدر متعالی باشد که بتواند چنین انسان یگانه ای در تاریخ تربیت کند. البته از نقش حضرت زهرا(س) نیز نباید غفلت کنیم. آدمی وقتی داستان حضرت زینب(س) را می خواند روحش پر می کشد به کوچک های بنی هاشم و عاشورای فاطمی.

به هر حال این شجره، یک شجره طیبه است که امیدوارم ما هم در اتصال با این شجره، بهره خود را ببریم.

■ **به نظر شما پیام حضرت زینب(س) برای زن امروز چیست؟**  
 مدرنیته و تجدد همه قوای خود را به کار

است که جان انسان را به یک ولی خدا پیوند می زند و راه را برای تصرفات او در وجود انسان باز می کند. اگر این اتفاق بیفتد مسیر انسان خیلی سریع می شود، چون دیگر مثل کسی است که سوار بر یک هواپیمای پرسرعت نشسته و کیلومترها راه را در کوتاه ترین زمان ممکن طی می کند.

صبر حضرت زینب(س) یک صبر ولایی بوده صبری بود که امام حسین(ع) در جان ایشان کاشفت، اگرچه زمینش در وجود ایشان آماده بود اما این درخت صبر را امام حسین(ع) با تصرف ولایی خود در جان حضرت زینب(س) کاشت؛ این نکته مهمی است که حضرت زینب(س) تحت تصرفات ولایی یک ولی مطلق الهی بود. این هم از رموز و اسرار موفقیت و اثر گذاری حضرت زینب(س) است. ما هم باید سعی کنیم جان مان به جان اولیای خدا پیوند بخورد، با آنها در ارتباط باشیم، با کثرت زیارات و ارتباطات قلبی با آنها، قلبمان را آماده تصرفات ولایی آنها بکنیم. اگر این اتفاق رخ بدهد، خواهیم دید که در یک زمان خاصی در یک بزنگاهی، در جایی که ما دیگر خودمان علی القاعده کم می آوریم، تصرفات ولایی شروع می شود و ما را از گردنه عبور می دهد.

از عالم باطن که به سمت عالم ظاهر بیاییم و بخواهیم دلایل قهرمانی حضرت زینب(س) در عرصه تبلیغ و پیام آوری را بر شمریم، می توانیم به مساله شجاعت و زبان فطری اشاره کنیم. زبان فطری یعنی زبانی متناسب با فطرت ها، زبانی که همه انسان ها معنای آن را می فهمند. حضرت زینب(س) به گونه ای سخن می گوید که در تمام طول تاریخ هر کس از هر دین و مسلکی، سخنان ایشان را بخواند به حقانیت آن پی برد، چرا که به زبان انسان حرف زده، به زبان انسانی است. این نکته ای است که مبلغان ما آن را فراموش کرده اند؛ ادبیات آنها یک ادبیات فطری نیست، آدم نباید به گونه ای حرف بزند که فقط همفکرش بفهمد او دارد چه می گوید، فقط به دینش بفهمد او چه دارد می گوید،

می شود. می خواهیم اینجا نکته های را بگویم خیلی بالاتر از این. شما شخصی مانند ایت الله قاضی رابعینید از ایشان کتاب انجمنی یا کلام انجمنی باقی نمانده ولی اثری که در روح و جان بخش عظیمی از جوانان ما گذاشته انکار شدنی نیست و همین طور حضرت ایت الله بهجت. شاید جوانان ما خیلی با کلام ایت الله بهجت مأیوس نباشند اما صرف دین نماز ایشان، راه رفتن ایشان و صورت نورانی ایشان، بسیاری را متحول کرده است، یعنی گاهی اصلاً حرف زدن نیاز نیست، وقتی جانی با خدا پیوند خورد، دین صورت او کافی است تا معارف در عمق جان و دل انسان بنشیند. همان چیزی که حضرت مسیح در آن روایت می گوید: جالسوا من یدکر کم الله رویته با کسی بنشینید که دیدنش شما را یاد خدا می اندازد. توجه کنید که حضرت نمی گوید کلامش شما را یاد خدا می اندازد، بلکه می گوید صرف دیدنش شما را یاد خدا می اندازد.

پس خلاصه کلام تا اینجا این است که شرط اصلی و علت اصلی در موفقیت یک مبلغ یا توجه به سیره حضرت زینب(س)، این است که کلام او از جانش بر خیزد نه از ذهنش. از قلبش بر خیزد نه از فکرش و راه این هم تهذیب نفس و رسیدن به مقامات باطنی است.

دومین مساله موفقیت تبلیغی حضرت زینب، پیوند جان ایشان با مقام ولایت است. این موضوع به نکته اولی که گفتیم نزدیک است اما با آن تفاوت هایی دارد. ممکن است کسی انسان مهندسی باشد ولی جانش با ولی خدا گره نخورده باشد، مثل خیلی از عرفای ادیان دیگر. اما از امتیازات عرفان شععی، پیوند خوردن با یک ولی خدا است. جان حضرت زینب(س) با جان امام زمانش پیوند خورده بود و یک رابطه ولایی پیدا کرده بود. در رابطه ولایی، منظور جنبه سیاسی و اجتماعی آن نیست، منظور یک رابطه باطنی و قلبی است. شما در رساله الولایه علامه طباطبائی می توانید با مفهوم این نوع ولایت آشنا شوید؛ این یک ولایت باطنی

### زنان ملت ما به تو محتاجند، بیش از همه وقت ...



می هدف و سرد «جامعه» فاه در هم بشکنند و خود را از «حرم های اسارت قدیم» و «بازار های بی حرمت جدید» به امامت تونجات بخشند!

ای زبان علی در کام، ای رسالت حسین بر دوش! ای که از کربلا می آیی و پیام شهیدان را در میان هیاهوی همیشگی قدامندان و جلالدان، همچنان به گوش تاریخ می رسانی، زینب! با ما سخن بگو.

مگو بر شما چه گذشت، مگو در آن صحرای سرخ چه دیدی، مگو جنایت آنجا تا به کجا رسید، مگو خداوند، آن روز، عزیزترین و پرشکوه ترین ارزش ها و عظمت هایی را که آفریده است، در ساحل فطرت و بر روی ریگزارهای فتنه بیابان تف، چگونه به نمایش آورد و بر فرشتگانش عرضه کرد، تا بدانند که چرا می بایست بر آدم سجده می کردند!

آری زینب!

«جهل» از یکسو به اسارت پنهان و ذلت تازه شان می کشاند و از خویش و از تو بیگانه نشان می سازد، آنان را بر «استحمار کینه و نو»، بر بندگی «سنت های پوسیده» و «دعوت های عفن»، بر ملعبه سازان «تعصب قدیم» و «فتن جدید» به نیروی فریادهایی که بر سر یک شهر-شهر قساوت و وحشت- می کوبیدی، و پایه های یک قصر-قصر جنایت و قدرت را می لرزاندی - بر آشوب!

تا در خویش برآشوبند و تار و پود این پرده های عنکبوت فریب را بدرند و در برابر این توفان برپاد دهند! که وزیدن آغاز کرده است «ایستادن» را بیاموزند و این «ماشین هولناک» را که از آنها «بازچه های جدیدی» می سازد، باز برای بلعیدن حریصانه آنچه سرمایه داری به بازار می آورد، برای لذت بخشیدن به هوس های کثیف بوزروازی، برای شور آفریدن به تالارها و خلوت های بی شور و بی روح «شرافیت جدید» و برای سرگرمی زندگی پوچ و

پس از عاشورا، دیگر قهرمان داستان کربلا زینب(س) است، زینبی که برای متفکران ما و مردم ما، نمونه یک زنی است آنگونه که باید باشد؛ او در میدان دلسوزی مادرانه و مراقبت خواهرانه و ضدیت قهرمانانه با طاغوت زمان، یگانه است. شاید خالی از لطف نباشد که مناجات و دلنوشته های دکتر علی شریعتی با این بانوی یگانه را برای بار دیگر مرور کنیم؛ بانویی که علی شریعتی در جوار بارگشازن آرمیده است.

ای زینب! ای زبان علی در کام! با ملت خویش حرف بزن! ای زن! ای که مردانگی، در رکاب تو، جوانمردی آموخت. زنان ملت ما اینان که نام تو، آتش و درد بر جان شان می افکند به تو محتاجند بیش از همه وقت...